

# جا پا

احمد سینا

روی طناب

سر بند مادرم

تاب می خورد

باد کتک

کتک باد

این جا

شب ها چنان سپید اند

و روز ها

چنان سیاه

چونان ببری میان

لکه های خودش که بسوزد

در زوزه ی

جهیزه ی این جزیره ی سنگی

زبانه ی

زنگی

مدام

که می کوبد

نبش وقوع

چند ور

مرا بین و از نقاب

افتاده

یاد کن!

مرا بین و از

دهانی بیمار

از تلخی ی سرمایی که پوست را

می بندد

قهقهه ای گلو گیر

گفتی

که خواهی نخواهی خواب

در چشم های تنت می بندد

گفتی که تا ...

بخور مرا! بچرا!

به تلافی

کلرو فیل اش کن

فیل اش

ذلیل اش

تکه تکه اش دانه دانه اش!

بیداری در خودت؟!!

کوتاه دستی ی تن

گفتی که خواهی نخواهی باران

و عطر آن

دهانت را می شوید

دهان! بشنو!

تا بوسه ای که تو باشی

پاشی

کوتاه دستی ی من

فسخ

بیرون دست

تو بچرخ

قداره ات

به قواره ات

کج بیل مرد

کج بیل کرت